

## رویکردی تمدنی به انقلاب اسلامی در نظام بین الملل

● مهدی دانش\*

### چکیده

مقاله حاضر، با تحلیلی از وضعیت کنونی جهان و نظریات و جهان بینی های آینده پرداز، به مبحث گفت و گوی تمدن ها، و سپس به بیان گذار این اندیشه، یعنی انقلاب اسلامی ایران می پردازد و محاسن و معایب اندیشه گفت و گوی تمدن ها را برمی شمارد.

نویسنده در این تحلیل، با تکیه بر نظریات صاحب نظرانی چون هانتینگتون، فوکویاما، تافلرها و آقای خاتمی، در صدد است تا بیان دارد که نوع بشر، بنا به گفته الوین تافلر (مذکور در همین مقاله) «دو موج عظیم را گذرانده است که هر یک به مقیاس وسیعی باعث محور فرهنگ ها و تمدن های پیشین شده و شیوه هایی، از زندگی را جایگزین ساخته که در نظر پیشینیان محال نموده است.»

وی در بخشی از مقاله، جامعه جهانی را به لحاظ روان شناسی مورد بررسی قرار داده است و به این مهم می پردازد که چون بشریت، هیچ گاه، به اندازه اواخر قرن بیستم خسته و بدون انگیزه نبوده است، پس باید در پی چاره ای بود و در نتیجه به کابوس های موحش قرن حاضر، که عامل اساسی سردرگمی های آدمی در عصر معاصر بوده و تخریب فضا های طبیعی و فرهنگ نوظهور، روان پریشی های گروهی اجتماعی و هزاران هزار معضل فردی و اجتماعی است، اشاره می کند.

در پایان نویسنده می خواهد تا با طرح راهکاری به نام «گفت و گوی

تمدن‌ها»، به جای کابوس، از امید صحبت کند؛ امید به بهره‌گیری از ارتباطات به شکل فراگیر به جای جنگ و استثمار، امید به یک روزنه واحد برای تماشای آسمان آبی صلح. وی سعی دارد، آثار مثبت گفت‌وگوی تمدن‌ها را گوشزد نموده و از راه‌های موجود اجرای چنین طرحی که نظم نوین جهانی را به همراه دارد، عملی سازد.

مؤلف، مقاله خود را با طرح مواردی همچون گفت‌وگوی تمدن و انقلاب اسلامی، قرآن مجید و علل و اسباب گفت‌وگو و مواردی از این قبیل، که به ایران و نظام اسلامی آن باز می‌گردد، به پایان می‌رساند.

«إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا...»\*

«انسان در برگزیدن میان داشتن و نداشتن "آرمان‌ها" آزاد نیست، بلکه او در برگزیدن میان انواع آرمان‌ها آزاد است، میان آرمانی که به پرستش قدرت و نابودی می‌پردازد یا آرمانی که به خرد و عشق متعهد است.»

«اریک فروم»

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی

## مقدمه

مقاله حاضر با عنوان «رویکردی تمدنی به انقلاب اسلامی در نظام بین‌الملل» نه از منظر یک صاحب‌اندیشه مشهور در حوزه فرهنگ و سیاست، بلکه از روزن اندیشه نازل عضوی از جامعه جهانی نگاشته شده که در آن تلاش نکرده است تا از فردی با اندیشه‌ای، تقدیس نموده و اسطوره‌پردازی کند، اما این ملاحظه به معنای عدم پرداختن به اندیشه‌هایی که، سعی بر رفع مهجوری انسان ضعیف نگهداشته شده قرن بیستمی، از چنگال نظام جهانی سلطه اقتصاد، اطلاعات و ارتباطات دارند، نیست. ما به عنوان واضعان اندیشه فوق در سطح جهان، و به عنوان فردی از جامعه جهانی که به صلح

\*. سوره یونس / آیه ۴: (بازگشت شما همگی به سوی اوست).

پایدار و عادلانه علاقمند است موظفیم تا در این همسرای، نوای عشق را به هموعان خداوند سردهیم. بنابراین در مقاله حاضر با تحلیلی از وضعیت کنونی جهان و نقطه نظرات آینده‌پرداز، به تفسیر مبحث گفت‌وگوی تمدن‌ها پرداخته و سپس به مادر اندیشه فوق یعنی، انقلاب اسلامی اشاره نموده‌ایم و محاسن و معایب آن را برشمرده‌ایم. اقدام ما قصه راز، ملخ است و حشمت سلیمانی.

### مروری بر سرنوشت قطب‌های قدرت

دوران یخین حاکمیت دو قطبی بر جهانی متلاطم از تعارض‌های لفظی و متراکم از سلاح‌های هسته‌ای، یعنی دوران جنگ سرد با فرو ریختن آیسبرگ هول‌انگیر انقلاب بلشویکی در شوروی سابق، به یک خلاء قدرت منجر گردید. هرچند آمریکا کوشید تا حاکم بلامنازع قلمداد گردد، اما بستر اندیشه جهانی، پیشتازتر از آن بود که معادلات آمریکایی‌ها نشان می‌داد. از سوی دیگر تعریف قدرت نیز به شکل فزاینده‌ای، شکل دیگری یافت. الوین تافلر که خود نظریه‌پرداز پرهیاهوی این کانون قدرت است در کتاب تمدن جدید می‌نویسد:

«قدرت آینده آمریکا به صورتی روزافزون از دست نهادهای حکومتی خارج می‌شود و در اختیار مردم عادی و رسانه‌هایی که از راههای الکترونیکی با هم مرتبط هستند قرار می‌گیرد. بحران‌هایی نظیر بحران خانواده، بحران بهداشت، بحران ارزشی و سیاسی، آمریکا را در سراشیب سقوط قرار داده است.»

دوران خلاء قدرت قطبی را دو دکترین رهبری می‌کند:

الف - دکترین چند قطبی به عنوان تداوم تلقی سنتی از قدرت، که مجریان آن نهادهای حکومتی و سیاسی هستند و با درک اعتباری از قدرت، سعی در ایجاد کانون‌هایی در اروپای متحد، آسیای شرقی، روسیه، چین و... دارند.

ب - دکترین آینده‌پرداز خردگرا، که ماحصل عصر اطلاعات و ارتباطات، و سیمایی از ماهیت قدرت یا قدرت ماهوی است، از پراکندگی بسیاری برخوردار می‌باشد؛ چرا که واضعان آن، کانون‌های تمرکز قدرت سنتی نیستند و پرداختن به آنان، بسیار مشکل و مستلزم اوقات بسیاری است، اما می‌توان در چهار سر عنوان تا حدودی آن را تقسیم‌بندی نمود:

## معماران چشم‌انداز آینده جهان

### ۱. فرانسیس فوکویاما

وی یک محقق ژاپنی است که در آمریکا اقامت دارد و کتابی تحت عنوان «پایان تاریخ و آخرین انسان» نگاشته است، او با ارائه سلسله استدلال‌هایی تئوریک کوشیده است ثابت کند:

«جامعه بشری در قرن آینده به سوی لیبرال دموکراسی خواهد رفت تا در سایهٔ چنین نظامی به اساسی‌ترین نیازهای انسانی دست یابد.»

ایشان که در ارائه مدل سرمایه‌داری لیبرال دموکراسی جزم‌گراست و این راه را تنها مفرّ بشریت می‌داند، بر این عقیده اصرار دارد که:

«لیبرال دموکراسی نقطه پایان تکامل ایدئولوژیک بشریت و آخرین شکل حکومت بشری خواهد بود و هنگامی که بشر به این مقام رسید به پایان تاریخ نزدیک شده است.»

اگرچه که فوکویاما، واقعیت‌هایی چون؛ ناسیونالیسم افراطی، تعصبات مذهبی، درگیری‌های قومی و حرکت‌های سوسیالیسم‌طلبانه و پتانسیل ادیان و نیروی بی‌کران خلاق جامعه را ندیده و یا به تسامح گرفته است، اما این پرسش را که آیا با نگرش فوکویاما و یا چنین مؤلفه‌هایی می‌توان توجیهی برای برقراری لیبرال دموکراسی در جامعه بشری پیدا کرد را نمی‌توان بدون پاسخ رها کرد!<sup>۱</sup>

### ۲. ساموئل هانتینگتون

وی استاد علوم سیاسی دانشگاه هاروارد می‌باشد که در مقاله‌ای تحت عنوان «برخورد تمدن‌ها» با اشاره به احتمال نزدیکی یا اتحاد تمدن‌های اسلامی و کنفوسیوسی و برخورد آنها با تمدن غرب، مسائلی را عنوان کرده که جنبهٔ هشدار دهنده به جهان غرب دارد.

نظریه هانتینگتون می‌تواند منشأ آثار عملی و مبنای اتخاذ سیاست‌های خاص از سوی برخی دولتمردان گردد و باعث پی‌گیری یا وانهادن بعضی هدف‌های سیاسی آنان شود، به نظر می‌رسد هانتینگتون برای حصول به نظریه یاد شده، وامدار

پژوهش‌ها و مطالعات آماری پیوسته‌ای است، همچنین واکنش‌های گوناگون از سوی اندیشمندان نسبت به نظریه هانتینگتون نیز، بیشتر از این جهت قابل توجه و بررسی است که او فرضیه برتری فرهنگی غرب را در مقابله با تمدن‌های اسلامی و کنفوسیوسی طی قرن آینده خدشه‌دار می‌کند. و این البته، در صورتی است که کمتر کسی به موقع‌شناسی و زیرکی هانتینگتون در زمینه مسائل نظری روابط بین‌الملل معترف نباشد.

### ۳. الوین تافلر و هایدی تافلر

شاخه سوم اندیشه، در خصوص آینده که برگ و بر آن بیش از سایرین، بر بوستان اندیشه بشری سایه افکن گردیده است، نظریات تافلرهاست که با تمامی ابعاد پیدا و نهان، و قوت و ضعف‌ها، شایسته مطالعه و بررسی و نقادی است.

الوین تافلر و هایدی (همسرش) که با کتاب‌های شوک آینده، موج سوم، جابه‌جایی در قدرت، جنگ و ضد جنگ به شهرت جهانی رسیدند و هواداران فراوانی، بالأخص در جامعه روشنفکری ایران، دست یافته‌اند در هر یک از این کتاب‌ها با نظری نسبتاً جامع و زیرکی خاص، تحولات جهان را تحلیل کرده و مسائلی را فراروی اندیشمندان قرار داده‌اند که قابل تفکر و تأمل است. بنا به عقیده تافلرها، درگیری اصلی قرن بیست و یکم مقوله‌ای است که نه می‌تواند مؤید نظر هانتینگتون یعنی؛ برخورد تمدن غرب با تمدن اسلام - کنفوسیوس باشد و نه نظریه فرانسیس فوکویاما یعنی؛ غلبه تمدن لیبرال دموکراسی بر سایر تمدن‌ها؛ بلکه نوعی درگیری عمیق و همه‌جانبه بین تمدن موج سوم یعنی؛ اطلاعات و ارتباطات با تمدن‌های موج دوم و همچنین موج اول که به ترتیب «تمدن صنعتی» و «انقلاب کشاورزی» را دربر می‌گیرند، خواهد بود.

تافلر معتقد است که نوع بشر تاکنون دو موج عظیم تحول را از سرگذرانده است، که هر یک به مقیاس وسیعی باعث محور فرهنگ‌ها یا تمدن‌های پیشین شده و شیوه‌هایی از زندگی را جایگزین آنها کرده، که کلاً در نظر پیشینیان محال می‌نموده است.

او می‌گوید تحقق نخستین موج تحول - انقلاب کشاورزی - هزاران سال طول کشید، در حالی که تحقق موج دوم - ظهور تمدن صنعتی - فقط سیصد سال به طول انجامید. ولی امروز تاریخ از این هم پرشتاب‌تر پیش می‌رود و چه بسا که «موج سوم» طی فقط

چند دهه بستر تاریخ را طی کند و به کمال برسد. همان موجی که بر جامعه آینده بشر گسترده خواهد شد و با وقوع انقلاب ارتباطی - اطلاعاتی، دیگر نخواهد گذارد که زندگی انسان‌ها بر اساس تمدن موج دومی یعنی؛ هم شکلی و یکنواختی و دیوانسالاری و اقتصاد مبتنی بر نیروی عضلانی و خط مونتاژ شکل گرفته و پیش برود.

از جمله سایر نقطه نظرات تافلر می‌توان، مواردی چون تأکید بر موازات دگرگونی اقتصاد کشورها در موج سوم و تزلزل بخشی از حاکمیت و قدرت دول و پذیرش دخالت‌های فرهنگی و اقتصادی دیگر کشورها، و نیز نقش فعال آمریکا در به وجود آوردن چنین تمدنی و خروج قدرت از دست هیأت حاکمه آمریکا و نهادهای حکومتی از قبیل؛ کنگره، کاخ سفید، سازمان‌های اداری و احزاب و همچنین قرار گرفتن آن در اختیار مردم عادی و رسانه‌های به هم پیوسته الکترونیکی و نیز بازگشت به دوران اقتدار، احترام و اهمیت نهاد خانواده، برشمرد.<sup>۲</sup>

#### ۴. سید محمد خاتمی

در پنجاه و سومین نشست سالانه، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، آقای سید محمد خاتمی؛ ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران در سخنرانی خود، به طرح پیشنهادی پرداخت که با استقبال جامعه جهانی روبه‌رو شد. وی خواستار نام‌گذاری سال ۲۰۰۱، با عنوان سال گفت‌وگوی تمدن‌ها گردید، گرچه پیشنهاد نام‌گذاری سال‌ها، ابتکاری تازه نیست و از مدت‌ها قبل چنین روندی آغاز شده است، (به عنوان مثال؛ سال ۱۹۹۴، سال جهانی خانواده و سال ۱۹۹۶، سال جهانی فقرزدایی و سال ۱۹۹۸، سال بین‌المللی اقیانوس‌ها نام گرفته است) اما این پیشنهاد بنا به دلایلی متعدد از ارزش مفهومی خاصی برخوردار است.

بنابراین سه عنصر اساسی از عوامل مهم این پیشنهاد محسوب می‌شوند که عبارتند از:

#### الف - پیشنهاد دهنده

فرد پیشنهاد دهنده این طرح، یک مقام عالی‌رتبه سیاسی، و در عین حال تربیت یافته یک مکتب پویا و جهان‌شمول و تمدنی کهن، با موازیت فراوان و ارزشمند، و نیز عضوی از

یک فرهنگ و ادب پیشتان در پهنه جهانی بوده است. تمامی اعضا؛ پرسنل و حاضران در مجموعه سازمان ملل متحد، این طرح را یک ابداع مسبوق به تجربه می‌دانستند یعنی؛ هر روزه که از درهای ورودی سازمان ملل متحد داخل می‌شدند، بر یکی از درهای ورودی سازمان این اشعار را می‌دیدند:

بسی آدم اعضای یکدیگرند	که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی ببرد آورد روزگار	دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی‌غمی	نشاید که نامت نهند آدمی

بنابراین پیشنهاد ریاست جمهوری اسلامی ایران را، علیرغم نو بودن آن سالها در عمق وجود خویش جسته و بر سر در سازمان و تمامی ورودی‌های تمدن و اخلاق و فرهنگ دیده و به گوش جان شنیده بودند. شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی که در قرن هفتم هجری، با درک عمیق از روح جامع و تفاهم برانگیز اسلام این اشعار را سروده است، زبان گویای فرهنگ پویای ایران اسلامی، در طرح، و دفاع از اصول همزیستی مسالمت‌آمیز و کمک به هم‌نوع و دفاع از حقوق بشر است، که اینک جهان، پژواک آن را در سال ۱۹۹۸ از تریبون مجمع عمومی سازمان ملل متحد می‌شنود.

نکته دیگر؛ خاستگاه پیشنهاد دهنده از حیث بلوک بندی‌های سیاسی است. اندیشمندانی که از آنها صحبت شد هر کدام در کانون اندیشه‌های انحصارگرا و استعمارگران دوران اوج میلیتاریسم و بی‌منطقی قرار داشته‌اند و اگر خود این صاحب‌نظران، آزاد اندیش بوده باشند، به طور قطع از جریان‌های قدرتمند مؤثر بر اندیشه‌ها که از روح استکباری نشأت می‌گیرد، بی‌نصیب نمانده‌اند و جهانیان در این حوزه نیز با حساسیت می‌نگرند.

### ب- زمان پیشنهاد

قرن بیستم با کارنامه‌ای سیاه از زباله‌های خشم نظامی‌گری با زخم عمیق جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم، بحران‌های منطقه‌ای چون، ویتنام، کامبوج، کره، عراق، افغانستان، بوسنی و فلسطین و... کوله‌بار خویش را به حکم جبر تاریخ فرو می‌بندد و قرن بیست و یکم با انفجار عظیم اطلاعاتی و ارتباطات، در آستانه تولد است. طرح این موضوع در دیدار مقامات کشورها در هشتمین کنفرانس اسلامی تهران و دوازدهمین

نشست سران جنبش عدم تعهد در «دوربان» آفریقای جنوبی و سپس پیشنهاد و تصویب در مجمع عمومی ملل متحد در سال ۱۹۹۸ و همچنین انتخاب سال آغازین قرن بیست و یکم برای این مهم، بهترین و مؤثرترین زمان برای انزجار از گذشته و بشارت به آینده است.

### ج - مکان پیشنهاد

گرچه انتشار کتب یا مقالاتی چون «موج سوم» آقای تافلر، هواداران فراوانی را در این زمینه به سوی خود جلب می‌کند، اما برد آن محدود می‌باشد و همچنین حوزه هویت و پذیرش آن نامشخص است، لیکن سازمان ملل متحد که مکان تفاهم و حل مسالمت آمیز بحران‌ها و نوسانات جهانی است، بهترین مکان برای نهادینه شدن این اندیشه بوده است. سید محمد خاتمی با تلفیقی اندیشمندانه از دو رهیافت آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در حوزه اندیشمندی و خردورزی اسلامی در حالی گفت‌وگوی تمدن‌ها را پیشنهاد نمود که در اصل، موضوع پیشنهادی اساس ماده ۱۳ منشور ملل متحد - مبنی بر ترویج همکاری بین‌المللی در امور سیاسی - متبلور بوده و با تشویق توسعه تدریجی حقوق بین‌المللی و تدوین آن نیز همسو بوده است. و نیز ترویج همکاری بین‌المللی در مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و کمک به تحقق حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه، بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان و مذهب را مد نظر قرار داده بود.

### د - پذیرش پیشنهاد

این پیشنهاد که با نگاهی عمیق، عرصه‌های نگرش اندیشمندانی چون «هانتینگتون و فوکویاما و تافلر را درنوردیده و مانند فلاسفه مکتب مهندسی تدریجی تلاش نموده است، تا به کژرفتاری‌های جامعه بین‌المللی سامان داده و آن را به حداقل برساند، بسان نسخه‌ای شفافبخش، پرده مخوف برخورد تمدن‌ها را بردریده و آینده نگران‌کننده‌ای را که نگرش‌های چالش‌گرا تصویر می‌نمودند، به آینده‌ای امیدوار کننده تبدیل نموده است و چون موتور اصلی حرکت بشر در بستر تاریخ، امید است؛ این پیشنهاد از حیث اقبال روانی و قطری در موقعیت مناسب‌تری از سایر نگرش‌ها، جهت حصول به موفقیت قرار



درک عمیق پیشنهاد فوق‌الذکر از جهان معاصر که به رغم تدوین قوانین و معاهدات متعدد و متنوع بین‌المللی، همچنان شاهد بروز جنگ‌های خونین داخلی منطقه‌ای است، باعث شده است، تا جانشینی گفت‌وگو، برای عملی شدن مفاد کنوانسیون‌ها و قوانین مدرن بین‌المللی بر تنفّر مردم از جنگ و بی‌خانمانی مرهمی نهاده و به عنوان یک استراتژی مقبول زمینه پذیرش خویش را بیش از پیش در اذهان جامعه جهانی فراهم سازد.

### گفت‌وگوی تمدن‌ها و روان‌شناسی جامعه جهانی

شاید هیچ‌گاه بشریت به اندازه اواخر قرن بیستم خسته و بدون انگیزه نبوده است، خسته از سردرگمی‌ها، اطلاعات تحریف شده، سیاست بازی‌های غامض، اقتصاد مدرن موج سومی، بمباران اطلاعاتی، آلودگی‌های زیست محیطی، تخریب فضاها، طبیعی، فرهنگ‌های نوظهور، روان‌پریشی‌های گروهی اجتماعی، خودکشی‌ها، اعتیاد، تکنولوژی عنان گسیخته، دوری از خداوند و امید و... او را فاقد نشاط و سرخوشی و طراوتی نموده است که با آن در طول تاریخ زیسته است و آثار هنری و ادبی به جای مانده حاکی از دوران اوج اخلاقی و روانی بشر در طی قرون گذشته بوده است؛ آثار بتهوون، شکسپیر، دانتّه، نقاشان امپرسیونیست و رئالیست، گوته، حافظ، مولوی، کمال‌الدین بهزاد، معماری تاج محل، نمایشنامه‌های چخوف و نقاشی‌های رپین و مودلیانی و ماتیس و گوگن، سماع دراویش قونیه و معماری رؤیایی باروک و دریاچه قوی چایکوفسکی و بالاخره سینمای منحصر به فرد کوروساوا در ژاپن...

شاید اگر انسان قرن بیستم و یکم بتواند گردهای نشست‌بر هویت تاریخی و انسانی خویش را زنده و مشترکات خویش را در حوزه فرهنگ و تمدن به گفت‌وگو بگذارد، بتواند بر کابوس‌های گران روان خویش پیروز گردد و شواهد، مبین این خواست برای بهبودی و رهایی از کابوس‌های موحشی به شرح زیر است:

#### ۱. کابوس بابت‌ها<sup>۲</sup>

بابت نام شخصیت اول رمانی است به همین نام که نوشته «سینکلر لویس» نویسنده

۹۱ آمریکایی می‌باشد. به بازرگانان و متخصصانی اطلاق می‌شود که به درک ارزش‌های هنری و فرهنگی تظاهر می‌کنند. اینان درونمایه‌های ارزشی هنرها را ابزار رسیدن به اهداف اقتصاد سرمایه‌داری کرده‌اند و باعث بروز نفرت، پس از یک دوره فریب افکار عمومی شده‌اند.

## ۲. کابوس واقع‌گرایی سوسیالیستی در هنرها و ارزش‌ها

این روش که مشابه روش بایبیت‌ها در جهان کمونیست یک دوره را گذرانده است، در هنرهای بصری، هزاران تصویر از کارگران خوشحالی را نشان می‌داد که با عضلاتی شبیه به آرنولد شوارزنگر<sup>۴</sup> - قهرمان زیبایی اندام جهان - در زمینه‌ای پر از چرخ دنده و دودکش و لوکوموتیو بخار به شدت در تلاش بودند.

روش‌های بیان شده در بالا، که هنر و ارزش‌ها را ابزاری در جهت تحقق اهداف اقتصادی خویش در دو جامعه متضاد قرار داده بودند، با نقادی صاحب‌نظران و افزایش آگاهی عمومی از اینکه در این‌گونه شرکت‌ها و جوامع، افرادی تشویق می‌شوند که نه تنها مغز و قوه تخیل خود را به کار گیرند، بلکه از عواطف و درک مستقیم و شهود و قوه تخیل خود نیز استفاده کنند، منفور واقع شدند. واقعیت در این ماجرا توسط مارکوزه<sup>۵</sup> ۱۸۹۸-۱۹۷۹، فیلسوف آلمانی تبار آمریکایی که بر پایه نظریات فروید و مارکس به نقادی تمدن صنعتی پرداخت، این‌گونه تبیین می‌شود که در چنین وضعیتی کارکنان به شیوه‌ای شیطانی‌تر استثمار می‌شوند.

## ۳. کابوس متولد نشده

ایسن گروه را برنامه‌ریزان و استراتژیست‌ها با اصطلاح تافلر، «موج سوم» و آینده‌شناسانی تشکیل می‌دهند که با تقبیح گذشته قصد دارند به شیوه‌ای نوین، استثمار و استثماری به مراتب پیچیده‌تر و ریشه‌ای را به جامعه جهانی تحمیل کنند. در این گروه، سیاستمداران کشورهای صنعتی و ابرقدرت، هنرمندان، صاحبان شبکه‌های اطلاعاتی و مخابراتی و گروه عظیمی از مردم، بالأخص روشنفکران نیز در محدوده دایره بزرگ استثمار، قرار می‌گیرند و روح خداجویانه و فطرت ذلت‌گریز جهانی این خطر را نیز احساس کرده و در قالب دیالوگ، برای رهایی از آن خود را، به مفری مناسب

## ۴. کابوس جنگ

از خاطرات تلخ جنگ‌های جهانی که بگذریم، جنگ ویتنام، جنگ کره، جنگ عراق و هزاران اغتشاش و درگیری منطقه‌ای، به اندازه کافی روح جامعه جهانی را خراشیده است و جهان، بار سنگین بیماری‌های ژنتیکی ناشی از این تعارض‌های کشنده و ناشناخته این جنگ‌ها را تا کنون به دوش کشیده و شاهد قربانی شدن میلیون‌ها نفر در گروه‌های دسته‌جمعی، تصفیه‌های قومی و قبیله‌ای، معارضات مسلکی و دینی کشتارهای دسته‌جمعی شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای و... بوده است. پس طبیعی است که اکنون جهانیان از مطالعه مقدمه‌ای که توسط «نوت گینگریج» (ریاست سابق مجلس نمایندگان آمریکا و از عناصر بسیار افراطی حزب جمهوری‌خواه این کشور گاه)، بر یکی از کتابهای تافلر نگاشته شده است، بسان یک نظامی‌گری غول‌آسای عنان گسیخته در هراس بیفتند، چرا که وی اعتقاد دارد، آمریکا باید ارباب جهان باشد، و هرگاه حکومتی پذیرای خواسته‌های آمریکا نباشد بایستی نابود گردد. (عنصری شبیه ژیرنیوسکی در روسیه) وی می‌نویسد:

«در سال ۱۹۹۱ جهان شاهد اولین جنگ بین سیستم‌های نظامی موج سوم با یک ماشین نظامی کهنه موج دومی بود. «طوفان صحرا» انهدام یک جانبه عراقی‌ها به دست آمریکایی‌ها و متحدان آنها بود. آن هم بیشتر به این دلیل که سیستم‌های موج سوم، به طرز کوبنده‌ای ثابت کردند که سیستمهای ضدهوایی پیچیده موج دومی در برابر جنگنده‌های رادارگریز موج سوم هیچ خاصیتی ندارند و ارتش‌های سنگر گرفته موج دومی در مواجهه با سیستم‌های اطلاعاتی موج سوم برای هدف‌گیری و لجستیک، به سهولت مقهور و منهدم می‌شوند. نتیجه اینها نبردی بود که از نظر اهمیت می‌توان آن را با شکست نیروهای موج اولی «مهدی سودانی» در آم‌دورمان سودان به دست ارتش موج دومی مصر و انگلیس در سال ۱۸۹۸ مقایسه کرد.»

واقعیت این است که جهان امروز در مسیر کشف راه‌هایی برای همدردی با انسان‌هایی است که قرار است ارتش موج سوم نوت گینگریج آنها را مدفون سازد و

### گفت‌وگوی تمدن‌ها، امیدها

در کنار کابوس‌هایی که صحبت آن به اختصار گذشت و نیز در کنار خواست جهانی برای گفت‌وگو میان تمدن‌ها، جهان به امیدهایی دلگرم است که بشر را برای مقاومت در برابر کابوس‌ها یاری می‌رساند.

#### ۱. امید به بهره‌گیری از ارتباطات به شکل فراگیر

فناوری‌های دهه‌های گذشته در ساخت فیبرهای نوری، شبکه‌های جهانی تلویزیونی و کامپیوتری، موبایل، ماهواره و... ارتباطات فرامرزی، فراتمدنی، فرافرهنگی و فرادینی را به همه دستداران ارتباطات یعنی جامعه مدنی الطبع جهانی بشارت داده است. اگرچه که تهی‌سازی جامعه، اقلیت حاکم بر جهان کیفیت مفاهیم مؤثر جهت ارتباطات را تهدید می‌کند، اما فراگیری ارتباط و ذهن فعال بشر قرن بیست و یکم بر این جریان خواهد چربید و موازنه را در آینده، به نفع آحاد صلح طلب جامعه جهانی سوق خواهد داد و البته بدیهی است که حرکت ارتباطات به سوی گسترش دانش است و دانش، خود ضامن اجرایی تفکر صلح‌گرا و گفت‌وگو پذیر است. تافلر پیدایش یک اقتصاد فوق‌نمادین<sup>۷</sup> موج سوم را تبیین می‌کند و آن را نتیجه خیزش عظیم در بنیان دانایی جامعه می‌داند، اما، واقعیت، فراگیرتر از یک اقتصاد فوق‌نمادین است؛ چرا که تعالی بنیان دانایی جامعه به جامعه جهانی فوق‌کنش‌های برنامه‌ریزی شده با ماهیت صلح‌گرایی و دیالوگ‌پذیری منجر خواهد شد که اقتصاد فوق‌نمادین، از زیر مجموعه‌های آن خواهد بود. این همه از نتایج گسترش ارتباطات در پهنه جهانی است.

#### ۲. امید به هدایت موج عظیم انفجار اطلاعاتی

تکثرگرایی مدرن حاکم بر اندیشه نظریه‌پردازان جن‌زده آغاز قرن بیست و یکم، انفجار اطلاعاتی را، در مدلی فیزیکی در شاکله‌ای واگرا و انبساط جو، ترسیم می‌کند؛ در حالی که اگر محصول فیزیک جدید را به انفجار اطلاعاتی قرن بیست و یکم تسری بدهیم نقطه اوج این واگرایی حرکت به سوی هم‌گرایی و وحدت خواهد بود و اگر چنین باشد،

همان‌گونه که نطفه اولیه انفجار اطلاعاتی حرکت به سوی رفاه نسبی و همزیستی بهینه جامعه انسانی و در یک کلام صلح و مسالمت بوده است، نقطه رجوع آن نیز به همین مقطع خواهد بود و خلاصه اینکه ورای تکثر جامعه انفجاری، اطلاعاتی، وحدت اندیشه و رسیدن به فرمول‌های مسالمت و زیست بدون تنش امید بشریت امروز، برای گفت‌وگو است که از حیث حدوث مرحله، متقدم صلح و مسالمت محسوب می‌شود و نظریه گفت‌وگری تمدن‌ها از حیث وجودی، در این مرحله از منحنی دانش و سیر تاریخی آن قرار دارد و نقطه امیدی برای بشریت خواهد بود.

### ۳. امید به یک روزنه واحد برای تماشای آسمان آبی صلح

اگر نخواهیم خویشتن را به گونه‌ای مطلق چون فوکویاما و هانتینگتون و تافلر در یک سیر ماهوی نسبی ارزیابی کنیم حداقل در یک نسبیّت محتوم، می‌توان گفت که بشر پس از آزمون‌های متعدد قدرت، سرانجام به سوی گفت‌وگو گردن خواهد نهاد؛ چون اندیشه فقط در سایه دیالکتیک و تبادل دچار اصلاح، تغییر کرده و ارتقا می‌یابد و فریب اندیشه از این روش نیز دیر پا نخواهد بود، بالأخص در زمانی که عناصر ارتباطات، دانش متراکم را چون طبیبی ماهر بر بالین اندیشه‌ها حاضر خواهد کرد، فریب و دگرنمایی عمر کوتاه‌تری خواهد داشت، چرا که بشر در ساختار فطری خود ابدیت‌گراست و از زمان تمدن مصر باستان، سعی در اثبات این نیاز خویش داشته است.

### گفت‌وگوی تمدن‌ها و نظم نوین جهانی

اگر ادراک کلی نظم نوین جهانی و بررسی سیر تکوین آن را به عهده خوانندگان محترم بگذاریم و با اشاره‌ای گذرا، به میزان ضرورت به آن بپردازیم، یقیناً در رسیدن به مقصود اصلی به دامن حاشیه‌نگاری نیفتاده‌ایم.

زی بیگنیو برژینسکی<sup>۸</sup> در کتاب «خارج از کنترل»<sup>۹</sup> که در سال ۱۹۹۳ به طبع رسیده است، اشاراتی به اندیشه نظم نوین جهانی دارد که قابل مطالعه است. وی که استاد علوم سیاسی دانشگاه جان هاپکینز آمریکا، مشاور مرز مطالعات استراتژیک بین‌المللی و مشاور امنیت ملی آمریکا در دوران کارتر می‌باشد، در این کتاب سعی نموده است تا اغتشاش جهانی در طلیعه قرن بیست و یکم را خارج از کنترل ارزیابی نماید، در عین

۹۵ حالی که سعی نموده است تا با ظرافت سیاستمدارانۀ خویش، سایه سنگین آمریکا را نیز بر فراز تحولات خارج از کنترل جهانی حفظ نماید.

این کتاب شامل پنج بخش است، در بخش اول، با عنوان «سیاست‌های جنون سازمان یافته» به کشتارهای شوروی سابق و چین، در خصوص ساخت مدینه فاضله تحمیلی پرداخته است و در بخش دوم با عنوان فراسوی بیداری سیاسی به فرآیند شکل گرفتن باورهای کوچک، ثروت‌اندوزی و قطب‌بندی فلسفی می‌پردازد، سپس در بخش سوم با عنوان «قدرت بلامنازع جهانی» در خصوص تضاد قدرت جهانی، پیام ناموزون و رقبای ناتوان در کسب قدرت بلامنازع جهانی، بخشی از مطالب را به اتمام می‌رساند. وی در این حوزه معتقد است که در حالی که انسان تا سه ربع اول قرن بیستم در اسارت حکومت‌های خودکامه، اندیشه‌های فرااسطوره‌ای و مدینه‌های فاضله تحمیلی گرفتار آمده بود، «بیداری سیاسی توده‌ها» و «رشد باورهای کوچک» توانست او را از بند اسارت رهایی بخشد و راه را برای فروپاشی حکومت‌های خودکامه هموار نماید. برژینسکی قرن بیست و یکم را گرفتار ناموزونی علمی و تکنولوژی، تخریب محیط زیست علم، فرهنگ، اندیشه، فلسفه دانسته و این سؤال را مطرح می‌سازد که بر ماهیت وجودی انسان چه خواهد آمد؟ البته در فضای تعلیقی ایجاد شده‌ی وی، فقط بوی شیفتگی، غیرت ملی و اصالت دادن به تمدن آمریکایی، استشمام می‌شود.

در بخش چهارم، کتاب به معضلات بی‌نظمی جهانی اشاره می‌کند و خلاء ژئوپولیتیکی و هیولای نابرابری جهانی را به تصویر می‌کشد و در بخش نهایی به سراب کنترل می‌پردازد. به اعتقاد و اذعان برژینسکی، بی‌نظمی و بی‌بندوباری کامل جایگزین کنترل سابق نیست، بلکه نظم جهانی در گرو تسلط انسان بر هواهای نفسانی، مصرف و استفاده بهینه از محیط زیست و مهم‌تر از همه؛ بازنگری در اندیشه درون است. این اذعان، نقطه طلایی پیوند بحث گفت‌وگوی تمدن‌ها و نظم نوین جهانی است، اگر صراحت اذعان فوق‌الذکر نبود، فصول مشترک دیدگاه‌های واضعان اندیشه نظم نوین جهانی و نگرش‌های ساموئل هانتینگتون در خصوص برخورد تمدن‌ها برای رسیدن به یک نظم نوین، بسیار به یکدیگر نزدیک بودند، تا حدی که می‌توان ذهنیت این دو نگرش را مشترک ارزیابی نمود که فقط در بروز آن تقدم و تأخر به چشم می‌خورد. در هر حال، نظم نوین جهانی دو چهره دارد و بر این صحنه دو گروه بازیگر می‌توانند به

ایفای نقش پردازند.

الف - سیاستمداران که به ابزارهای اندیشه‌ای و فرهنگ شناختی مسلط شده و با رخنه در ارزش‌ها و باورها و احترام هدف‌دار به منش‌های فرهنگی، اهداف شخصی را دنبال می‌کنند و در این رهگذر با بمباران وسیع اطلاعاتی و تصفیه کردن سیستم‌های ارتباطی، به نحوی مرموز بر اندیشه‌ها تأثیرگذارده و به تعبیر برژینسکی، آنها می‌خواهند، مدینه فاضله‌ای را که استالین با دریای خون و پیکرهای بی‌جان بشر ساخته بود، از طریق فریب و دگرنمایی دوباره احیا نمایند. در بین این گروه مشخصاً آمریکا داعیه نظم جهانی از نوع سیاسی آن را دارد، اما بنا به گفته برژینسکی<sup>۱۰</sup> این نظم جهانی که از نوع مدینه فاضله تحمیلی است - هم، دوام چندانی نخواهد یافت.

«در چنین شرایطی، اگرچه آمریکا برای مدتی قدرت بی‌رقیب جهان باقی خواهد ماند، لکن با فقدان اقتدار در صحنه جهانی مواجه خواهد شد. از این رو، قدرت آمریکا برای تحمیل مفهوم آمریکایی «نظم نوین جهانی» به تنهایی کافی نخواهد بود...»  
به بیانی بهتر، دکترین نظم جهانی با ناظران میلیتاریست دیروز، پرونده سیاه امحای بشری از سوی هر نهاد قدرت، پایداری نخواهد یافت.

ب - رشد باورهای جامعه بشری و نفرت از رفتارهای سیاسی که به حد اشباع رسیده است، اندیشه نظم نوینی را شکل خواهد داد که اگر چه هنوز فرصت بروز نیافته است، اما طلایه‌های آن قابل مشاهده است. رسیدن به این باور در اندیشه جهانی که هدایت اخلاقی باید از درون ریشه گیرد و جامعه جهانی برای فایق شدن به بحران جهانی و رسیدن به نظم نوین، بدو باید به درون خویش نظم بخشیده و به درمان خلاء معنوی خویش پردازد، حالا دیگر یک اندیشه رمانتیک نیست بلکه، به واقعیت نزدیک شده است. برای مثال؛ می‌توان سخنان «آلکساندر یاکولف»<sup>۱۱</sup> را در سمیناری خطاب به استادان و دانشجویان دانشگاه کلمبیا، در سال ۱۹۹۱ درباره حق انتخاب انسان بیان نمود:

«یک نظام اقتصادی به تنهایی حامل معیاری صحیح برای تشخیص قالب‌های جدید و والاتر رفع نیازهای انسانی، از نیازهای مصنوعی، نیست. از این رو لازم است روش‌هایی برای زندگی ایجاد کرد که در آنها حقیقت‌یابی، زیباشناسی، خوبی و رابطه صمیمی با دیگران، به دلیل رشد مشترک انسان‌ها،

۹۷ به عنوان عامل تعیین کننده حق انتخاب صرفه جویی و سرمایه گذاری باشد.

حتی تصمیم‌گیری برای تخصیص سرمایه گذاری در یک محل و یا در یک مرکز تولیدی، همواره یک انتخاب اخلاقی و فرهنگی است.»

این اعتراف یک نظریه پرداز مارکسیست است که از غیرقابل انعطاف‌ترین اندیشه‌ها برخاسته است. حال این که اگر به اندیشه‌های مختلف مشابه در جهان سری بزیم به پتانسیل‌های شگرفی در خصوص اندیشه‌های همگرای چالش‌گریز گفت‌وگوپذیر، در راستای گفت‌وگوی تمدن‌ها دست خواهیم یافت.

پذیرش جهانی در سازمان ملل، برای اختصاص سال ۲۰۰۱ به عنوان سال گفت‌وگوی تمدن‌ها، جدیدترین و مهم‌ترین دلیل برای رشد اندیشه‌های وحدت‌گرا و نیز حاکی از پتانسیل عظیم همگرایی جهانی است.

### گفت‌وگوی تمدن‌ها، فواید و آثار

فواید ذیل را برای یک فضای متأثر از گفت‌وگو و مفاهمه می‌توان متصور شد:

- الف - حرکت عملی به سوی ایجاد فضای اعتماد و گسترش مناطق همپوشانی.
- ب - ارتقای سرانه دانش بشری و نگرش‌های فرهنگی و جامعه‌شناختی که خود در نفی قدرت انحصارگرا و نظام سلطه مؤثر خواهد بود.
- ج - عامل تازه‌گردانی در تمدن‌ها و ایجاد تحرک در پتانسیل‌های فرهنگی و اجتماعی تمدن‌ها، که خود باعث پویایی و رشد آنها خواهد بود.
- د - کاهش اندیشه تنش.
- ه - در نهایت بلوغ مفاهمه و گفت‌وگو، نظام‌های حاکم، تابعی از تصمیمات مردم و نخبگان تمدن‌ها خواهند شد که البته بدون چالش و تنش نخواهد بود.
- و - افزایش امید و روح امیدواری در جامعه جهانی.
- ز - در گفت‌وگوی جهانی روح برتری‌جویی در اندیشه نظم جهانی به روح عدالت‌جویی تغییر خواهد یافت.

### مدیریت گفت‌وگوها

مدیریت متمرکز گفت‌وگو، به دلیل حضور جهانی سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته،



بالأخص سازمان علمی فرهنگی ملل متحد (یونسکو) به عهده آن سازمان است و البته که بدون همکاری جامعه بین‌الملل و واضعان اندیشه به سرانجام نخواهد رسید. لیکن در مدیریت گفت‌وگو چند مؤلفه را نباید از نظر دور داشت:

۱. تأثیر مثبت مدیریت گفت‌وگوها به عنوان عامل تازه‌گردانی در ساختار سازمان ملل و ایجاد پویایی بیشتر در آن سازمان و ایفای نقش جدی‌تر آن سازمان در حرکت به سوی صلح پایدار.

۲. کیفیت گفت‌وگوها در عناصری است که مدیریت گفت‌وگوی تمدنی بایستی مراقب آن باشد و ماهیتاً گفت‌وگوها بایستی بر جامعیت نظر همه عناصر تمدنی تأکید داشته باشند و در مجموع برآیند حرکت آنان باید در راستای تفاهم باشد و عوامل تأثیرگذار کیفیت گفت‌وگوها را از حوزه مفاهیم خارج نسازند.

۳. مفهوم‌شناسی «گفت‌وگو» و حوزه‌های ذهنی آن و همچنین «تمدن» و ارائه تعاریف دقیق.

۴. شناسایی قلمروهای همپوشانی تمدن‌ها و گسترش قلمروهای یاد شده.

۵. نظارت بر انباشت اطلاعات واقعی، که اطلاعات واقعی مورد نیاز در گفت‌وگو، خود سرچشمه حرکت به سوی هم‌گرایی مثبت است.

۶. بحران‌شناسی و صیانت اندیشه‌ها و گفت‌وگوها از تحمیل ذلت و ذلت‌پذیری طرفین.

۷. پاسداری از تعامل اندیشه‌ها.

۸. صیانت از گفت‌وگوها در برابر نظام‌های سنتی سلطه و اهرم‌های فشار آنان بر تحریف اندیشه گفت‌وگو.

### اندیشه گفت‌وگو، تازه‌گردانی، گسترش قلمرو همپوش

ریچارد واترمن در صفحه ۲۲۲ کتاب عامل تازه‌گردانی این گونه می‌نویسد:

سیاست بازی خوب یعنی توانایی مذاکره سودمند. دادو ستد سودمند آن است که هر دو از آن سود ببرند و مذاکره‌کننده توانا، نمی‌کوشد تا طرف مقابل را در هم کوبد اینان به گشودن دشواری‌ها می‌پردازند و به جست‌وجوی قلمروهای منافع

همپوش و گسترده سازی آن در قلمروهای مشترک.»

اینک سعی داریم تا در یک ترسیم شماتیک در خصوص گفت‌وگوی سودمند و غیرسودمند، توسعه قلمرو همپوشانی را بیشتر شرح دهیم.

### تعریف حوزه‌های همپوش در تمدن‌ها

سمبل	حوزه همپوش
خدا	الف) اشتراک خداگرایی فطری و وحدت‌گرایی
عشق، صلح، انسان، خرد	ب) اشتراک تمدن‌ها در مبانی ارزشی
شبکه اینترنت، مخابرات	ج) اشتراک تمدن‌ها در ارتباطات (سخت‌افزار)
علم اتمولوژی یا ریشه‌شناسی در حوزه زبان‌شناسی و نرم‌افزار	د) اشتراک تمدن‌ها در ارتباطات (نرم‌افزار)
معابد و عبادتگاهها	ه) همپوشانی تمدن‌ها در سکنا
موسیقی، گرافیک، تئاتر، نقاشی	و) همپوشانی تمدن‌ها در زیبایی‌شناسی و هنر
میراث مشترک جهانی	ز) همپوشانی تمدن‌ها در تاریخ
توریسم و ورزش	ح) همپوشانی تمدن‌ها در مراودات
عرفان، فلسفه، علم	ط) همپوشانی ماورای اندیشه و تجربه
متون مذهبی	ی) همپوشانی نوشتار و فرهنگ مکتوب
حفاظت محیط زیست	ک) همپوشانی اهداف مشترک
امام علی(ع) <sup>۳۱</sup>	ل) همپوشانی عدالت فردی و حکومت‌داری

### گفت‌وگوی تمدن‌ها و انقلاب اسلامی

در این بخش که نتیجه تمامی بحث‌های گذشته است، شایسته است که به این مهم اشاره شود که اصولاً مفهوم گفت‌وگو به معنای تسلیم در برابر منطق از حیث مفهوم با روح اسلام موافق و مترادف است. استاد شهید مرتضی مطهری در کتاب سیره ائمه اطهار می‌نویسد:

«یکی از امتیازات اساسی معتقدات اسلامی و بالأخص در دید شیعه از اسلام،

\* نگارنده یقین‌دارد که در صورت عرضه دقیق شناساندن همه جانبه شخصیت امام علی(ع) به جهان، این فرد می‌تواند سمبل عدالت اجتماعی فردی و حکومتی باشد.

این نکته است که بدبین نباشید، دوره ظلم و ستم، دوره جنگ و دعوا، دوره اختلاف، دوره فساد اخلاق و دوره سیاهی و ظلمت یک دوره موقت است و عاقبت نورانیت و عدالت است.»

و انقلاب اسلامی فی الواقع نقطه پایانی بر دوران تیره تعارض و بی منطقی است، انقلاب دگرگونی بنیادینی است که جامعه را به نورانیت و عدالت اسلامی بشارت داده و در دیدها دگرگونی ایجاد می نماید. استاد مطهری در مجموعه آثار ۱۴ صفحه ۲۲۰ در خصوص عملکرد انقلاب می نویسد:

«یک انقلاب چه می کند؟ جز این است که دید را نسبت به جهان عوض می کند هدف و برنامه و ایدئولوژی می دهد، افکار و معتقدات را دگرگون می سازد.»

انقلاب اسلامی تحول دیدها از اندیشه های غیر اسلامی به روحیه مسالمت آمیز اسلامی را با بحث گردید و اینکه با طرح این دکترین سعی در نهادینه نمودن اندیشه مسالمت آمیز خویش دارد، اگرچه برای اثبات این مسالمت جویی شرافتمندانه، بایستی از دیوارهای پندار و گرداب های تحریف که از زمان جنگ های صلیبی به پرخاشگری و تبلیغ خشونت در مسلمانان پرداخته اند، عبور نماید.

از جمله نکاتی که انقلاب اسلامی بایستی بدان توجه کافی مبذول دارد، تلاش برای بازگشت و کسب آمادگی به دوران طلایی تمدن اسلامی از طریق ارتقای اندیشه هاست که در همایش گفت و گوی تمدن ها در ۲۲ و ۲۳ آذرماه بدان اشاره شد. این تلاش که با تولد انقلاب اسلامی آغاز شده است، در جریان بحث و تعامل اندیشه ها به یک اوج دیگر نیز نیازمند است.

تشابه ارزش های جامعه بشری که در فطرت پاک الهی انسان به ودیعه گذارده شده است، می تواند ابزار مؤثری باشد که توسط روحیه انقلابی، بهینه و به هنگام گردیده و از دل اندیشه ناب اسلامی تغذیه و در یک حرکت همگرای منطبق محور، با سایر جوامع به اشتراک گذارده شود و فعلیت این اندیشه ها، حداقل از تنش های هدف دار سلطه گران کاسته و امید را در جوامع بشری ارتقا می بخشد.

## قرآن مجید و علل و اسباب گفت و گو

تعامل اندیشه ها چون یک ماهیت وضعی دارد و سپس شکل انتقالی می یابد و به عبارتی

درون پرداز است، پس رُرسیدن به مفاهمه، برون پرداز گردیده و قصد اقناع کانون‌های قدرت و سلطه را داوُد «إِذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى» به علل و اسباب ذیل «براساس منطق قرآن» نیازمند است: «آیات ۲۴ الی ۳۳ سوره طه»

۱. قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي، گفت پروردگار فراخ گردان برای من سینه مرا (سینه گشاده)

۲. وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي، آسان کن برای من کار مرا (مساعدت خداوند در یاری و آسانی اقدام)

۳. وَاخْلَعْ عُنُقَهُ مِنْ لِسَانِي وَباز کن گرهی از زبانم (باز کردن عقده و گره از کلام)

۴. يَفْقَهُوا قَوْلِي، تا دریابند گفتار مرا (امید به دریافت پس از اقدامات فوق)

۵. وَاجْعَلْ لِي وِزِيرًا مِّنْ أَهْلِي، هَارُونَ أَخِي، قرار بده برای من وزیری از خاندانم برادرم (یاوری نزدیکان)

۶. أَشْدُدْ بِهِ أَزْرِي، استوار ساز بدو پشت مرا (حمایت کانون‌های فکری همسو)

۷. وَاشْرِكْهُ فِي أَمْرِي، و شریکش گردان در کارم (مشارکت اندیشه‌ها و همگرایی)

۸. كِي نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا، تا بستایمت بسیار. (رسیدن به هدف در ستایش عامل موفقیت‌ها)

این علل و اسباب در وضعیت انتقالی است و در شرایط وصفی همان اصل شفقت «رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ» و «إِسْتِمَاعَ قَوْلٍ» و برگزیدن احسن را می‌توان مدنظر قرار داد.

### سیر گفت‌وگو و مؤلفه‌های قرآن مجید

تطبیق با قرآن مجید

مراحل تکاملی

۱. سیرگفت‌وگوی تمدن‌ها ← وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ آل عمران / ۱۰۴

۲. معارفه تمدن‌ها ← وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ

یونس / ۱۹

لَقَضَيْنَا بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

۳. مذاکره تمدن‌ها ← فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ زمر / ۱۸

۴. پرهیز از تعارض

۵. مفاهمه و اقتناع

۶. برون همپوشانی

۷. رفع سوء تفاهم‌ها

← و ما كان ريبك ليهلك القرى بظلمٍ و أهلها مصلحون هود / ۱۱۷

← و من أحسن قولاً ممن دعا إلى الله و عمل صالحاً و قال إنني من

المسلمين و لا تستوي الحسنة و لا السيئة إذفع بالتي هي أحسن فصلت / ۲۳-۲۴

← و من يرغب عن ملة إبراهيم إلا من سفه نفسه بقره / ۱۲۰

← صبغة الله و من أحسن من الله صبغةً و نحن له عابدون بقره / ۱۲۸

۸. رسیدن به یک همزیستی ← یا ایها الذین آمنوا ائخلوا فی السّلام کافةً و لا تتبعوا

بقره / ۲۰۸

خطوات الشیطان

تعریف شده

انبیاء / ۱۰۵

← أن الأرض یرثها عبادی الصّالحون

۹. صلح پایدار

رعد / ۱۱

إِنَّ اللَّهَ لَا یَغْیِرُ مَا بَقِیَ حَتَّى یغْیِرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ

اقدام برای گفت‌وگو با کمال خود، سنت خداوند را مبنی بر تغییر وضعیت اقوام فعال خواهد نمود.

### انقلاب اسلامی، گفت‌وگوی تمدن‌ها، توانایی‌ها و پتانسیل‌ها

اسلام به عنوان یک تمدن پویا که به اعتراف هانتینگتون در سخنرانی اخیرش<sup>۱۲</sup> در راستای اصلاحاتی بر اندیشه برخورد تمدن‌ها، از قوی‌ترین و مداوم‌ترین سابقه تمدنی برخوردار است، پتانسیل مهمی در خصوص اندیشه گفت‌وگوی جهانی دارد که عبارتند از:

الف - قرآن مجید کتابی برای هدایت اقوام، منطبق با خواست درونی آنها

ب - کنگره عظیم حج، تنها همایش یک هزار و چهارصد ساله که به طور مداوم با حضور همه اقوام همه ساله برگزار می‌شود و تمامی اعمال آن نمادی از همگرایی و احترام به عقاید و ادیان سلف است.

ج - شخصیت‌های جهانی چون حضرت محمد(ص) کامل کننده مکارم اخلاقی و امام علی(ع)، بنیانگذار حکومت عدل‌گرای مطلق و نافی استضعاف اجتماعی.

د - گفت‌وگوی بین ادیان و سابقه آن از صدر اسلام تا کنون (مضبوط در تاریخ اسلام).

ه - مهمترین اندیشه نفی کننده امتیازهای نژادی، قبیله‌ای، سلطنتی و... در جهان در طول تاریخ با پتانسیلی فوق‌العاده قوی در این زمینه.

و - برخورداری از اندیشه امر به معروف و نهی از منکر با هدف رشد اجتماعی افراد. بدیهی است که اگر این پتانسیل‌ها و دهها توان بالقوه دیگر فعال شده و مسلمانان را از بن بست فعلی برهاند، هیچ تمدنی در جهان برای پرپایی همگرایی جهان از اسلام پیشی نخواهد گرفت.

### گفت‌وگوی تمدن‌ها، محدودیت‌ها و نارسایی‌ها

بحث گفت‌وگوی تمدن‌ها مثل هر مبحث دیگر از نقاط فرودست و فرادستی برخوردار است که توجه به عناصر فرودست و رفع معایب باعث حضور قوی‌تر و پویاتری خواهد گردید:

#### ۱. واژه «گفت‌وگو»

گفت‌وگو در عبارت «گفت‌وگوی تمدن‌ها» یک ذهنیت است، که چون تمدن موجد کلام نیست، جنبه عینی نخواهد یافت. پس فرد یا گروه یا یک جمعیت باید به نمایندگی از یک تمدن در یک جمع به گفت‌وگو بپردازد. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا آن فرد می‌تواند نماینده مطلق آن تمدن در تمامی جوانب، با جامعیت مورد نظر آن تمدن باشد؟ در بخش دیگر اگر مراد از گفت‌وگو را تلاش تمدن‌ها برای ارتقای دانش متقابل، شناخت یکدیگر و کشف فصول مشترک بدانیم، آیا در قالب همکاری‌های جهانی و حول محورهای اقتصادی، سیاسی، ورزشی و... شکل خواهد گرفت؟ پس در این صورت چه

لزومی برای طرح گفت‌وگو مطرح می‌شود؟

سؤال بعد، این پرسش است که در گفت‌وگو، اولویت با چیست؟ با تعامل اندیشه‌هاست؟ اگر پاسخ مثبت است، آیا به مؤلفه‌هایی چون سیر جهان شمول برای جست‌وجوی حقایق - تحول‌پذیری فرهنگ‌ها - ماهیت رام‌نشدنی اندیشه‌ها و به هم ریختن نظم موجود و لزوم ساختارهای نوین، اندیشیده شده است؟ و نکته دیگر اینکه در جهان چند تمدنی امروز که برتری خواهی و استیلاطلبی پیچیده‌ترین مکانیسم‌ها را در اختیار دارد، ابزارهای کنترل گفت‌وگو در برابر جریان‌ات برتری طلب در حوزه دیالوگ، کدامند؟

و نهایتاً اینکه اهرم‌های کنترل و سوپاپ‌های اطمینان گفت‌وگو در برابر «بابیت‌ها» و مظاهران به ارزش فرهنگی کدام است؟ آیا مسیر کنترل جریان اطلاعات، گفت‌وگوها را به سمتی تعریف شده تغییر جهت نخواهد داد؟

## ۲. واژه «تمدن»

اگرچه که به نظر می‌رسد واژه تمدن به لحاظ پوییش و تمرکز، از سایر واژه‌ها رساتر است و نیز در عین جامعیت افراد، مانع اغیار بوده و نهادهای ایجاد شده صوری، تحت عنوان تمدن را که با اشغال و نژادپرستی و جستار و تحریف تاریخی سعی در مشروعیت‌مدنیت هویت خویش، دارند، شامل نمی‌شود، لیکن واژگانی چون فرهنگ - که پا از مرز شهرها و مدنیت‌ها فراتر گذارده و در پهنه جهان به هزاران فرهنگ خرد و کلان تقسیم شده‌اند - در بحث گفت‌وگوی تمدن‌ها و مقید نمودن گفت‌وگو به جوامع مدنی کمتر به حساب آورده شده‌اند، همان‌گونه که در این بحث، ادیان چنانکه شایسته است، بستری برای گفت‌وگو نیافته‌اند، بلکه به عنوان تابعی از مدنیت محسوب گردیده‌اند.

## ویژگی‌های دکترین گفت‌وگو و انگیزش‌ها

۱. گفت‌وگو به عنوان عامل تازه‌گردانی و نیز کنشی برای ایجاد طراوت و انگیزه

جهانی.

۲. واکنش جهانی در ابراز تنفر از گذشته و نظامی‌گری‌ها و بشارت و امید به آینده.

۳. تطابق فطری گفت‌وگو با خواست عمومی جامعه انسانی.

- ۱۰۵ ۴. وجود پتانسیل‌های قوی در ادیان و نیاز جوامع به فعلیت آن در حوزه تعامل اندیشه.
۵. برداشت گسترده و تعمیم مفهوم گفت‌وگو در حوزه نهادینه شدن ارزش‌ها و اشاعه حوزه‌های مشترک.
۶. واکنش جهانی در عملکرد دولت‌ها و فریب نظام‌های سلطه در جهت ایجاد روحیه تهاجم و میلیتاریستی.
۷. اقدامی عملی برای همدردی با قربانیان فجایع انسانی در جریان تهاجم‌های فوق.
۸. انتخاب منطق گفت‌وگو به جای برخوردهای فیزیکی و قیام اندیشه در برابر سلاح‌های کشتار جمعی.
۹. تأسی به پیشینه تاریخی شرق در طلوع اندیشه‌های راهبردی و نقش غرب در اعتلا و پرورش اندیشه‌های فوق.
۱۰. واکنش بر علیه ناعادلانه بودن توزیع قدرت نظامی، اعمال حقوق مالکیت معنوی و جریان عمومی اطلاعات.
۱۱. تلاش برای رسیدن به اطلاعات واقعی در جهت اعمال قدرت مثبت.
۱۲. تأثیرپذیری مثبت در برابر ستایش ارزش‌های مشترک.
۱۳. تمایل برای ابداع و تقویت حرکت‌های نمادین و نو، با هدف همگرایی جهانی.
۱۴. تمایل به خود انگیختگی و فطرت‌پردازی به جای تأثیر گرفتن از انگیزش‌های نظام سلطه با هدف‌های تعریف شده و حاکمیت تبلیغات و سفسطه اطلاعاتی.
۱۵. تلاش مشترک جهانی برای یافتن معنا و مفهومی جدید از زندگی.

### موانع اندیشه گفت‌وگوی تمدنی

۱. نظام سلطه که در استضعاف تمدن‌ها، به صورت همگرا و با پیشرفته‌ترین تکنیک‌ها می‌کوشد.
۲. تفاوت سرانه ادراک لزوم مفاهمه و پرهیز از تنش در تمدن‌ها.
۳. تغییر چهره‌دادن نظام سلطه، برای جایگزینی خویش به عنوان طرف یا نماینده طرف گفت‌وگو.
۴. چالش‌های احتمالی تعمدی و یا غیر عمدی برای تضعیف روحیه همگرایی.



۵. دولتی شدن اندیشه گفت‌وگوی تمدن‌ها و بوروکراتیزه شدن آن.
۶. تحریف داده‌های اطلاعاتی از طریق نظام‌های سلطه و نهادهای فشار نامرئی «لابی».
۷. ماهیت دیر بازده گفت‌وگو در مقایسه با نظامی‌گری و قدرت به معنای استبداد آراء.
۸. ستیزه تمدن‌های بی‌ریشه که در قرن بیستم براساس مصالح سیاسی و غیره زاده شده‌اند.
۹. ظهور سوفسطائیسیم نوین و آرمان‌گرایی افراطی.
۱۰. فعال شدن تعارض‌های تاریخی، مذهبی و دینی با تحریک احساسات جوامع از طریق نظام سلطه.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن مجید، چاپ اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا.
۲. عنادی الموتی، مراد، «خاتمی و ژرف‌اندیشی در طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها»، اطلاعات، زمیمه ۲۰، شماره ۲۱۸۴۸ (آبان ۷۷): ص ۱.
۳. تافلر، الوین و هایدی. به سوی تمدن جدید. ترجمه محمدرضا جعفری، تهران: نشر سیمرغ، ۱۳۷۴.
۴. برژینسکی، زی بیگینو. خارج از کنترل اغتشاش جهانی در طلیعه قرن بیست و یکم، ترجمه دکتر عبدالرحیم نوه ابراهیم، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲.
۵. مسائل، همایش چپستی گفت‌وگوی تمدن‌ها، سازمان اسناد و مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۲۲ و ۲۳ آذرماه ۱۳۷۰، تهران.
۶. چاندرا، مظفر، سخنران از کشور مالزی همایش فوق‌الذکر.
۷. دکتر جاجرمی، کاظم، مصاحبه با روزنامه خراسان در خصوص تحلیل گفت‌وگوی تمدن‌ها، مشهد: نهم دی ماه ۱۳۷۷.
۸. ریچارد واترمن. عامل تازه گردانی، ص ۳۲۲.
۹. مرتضی مطهری. مجموعه آثار، جلد ۱۴، تهران: انتشارات صدرا، ص ۲۲۰.
۱۰. مرتضی مطهری. سیره ائمه اطهار، تهران: انتشارات صدرا.
۱۱. نشریه شلمچه، آخرین شماره، سال ۷۷.

## پی‌نوشت‌ها:

۱. برای تدوین این مطلب، از مقدمه کتاب «به سوی تمدن جدید» استفاده شده است. برای مطالعه بیشتر ر.ک: مقاله دکتر مولی غنی‌نژاد، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۱۶۴-۱۶۲.
۲. برای اطلاع از کیفیت نظرات تافلر، به کتاب‌های «موج سوم» و «به سوی تمدن جدید» ترجمه محمدرضا جعفری مراجعه شود.

3. Babbitt
4. Schwarzenegger
5. Herbert Marcuse
6. Stealth aircraft
7. Super-Symbolic
8. Zbigniew Brzezinski
9. Out of Contril

۱۰. برژینسکی در صفحه ۲۲۲ کتاب خارج از کنترل اشاره‌ای به این موضوع داشته است.

۱۱. عضو سابق حزب کمونیست روسیه و دستیار نزدیک میخائیل گورباچف.

۱۲. نشریه شلمچه، شماره آخر سال ۷۷.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی